

ساخت اطلاع و ساخت آغازگری در زبان فارسی یک مطالعه پیکره-محور^۱

خدیجه طاهری^۲

حبیب گوهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در حالت بی‌نشان، نهاد جمله آغازگر به شمار می‌آید و در حالت نشان‌دار، سازه‌های دیگری مانند گروه اسمی غیر نهادی، گروه حرف اضافه‌ای و موارد مشابه ممکن است بر اثر فرایند پیش‌اندازی به صورت آغازگر نشان‌دار نمایان شوند. بر این مبنای، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت اطلاعی و مقوله نحوی سازه‌های آغازگر (نشان‌دار و بی‌نشان) در زبان فارسی است. پژوهش حاضر را می‌توان پیکره‌ای-توصیفی به شمار آورد که داده‌های آن از دو پیکره زبانی فیلم سینمایی و گزارش فوتبال استخراج می‌شوند. پرنس (Prince, 1992)، وارد

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.27407.1849

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران؛

khtaheri@ilam-iau.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده

مسئول)؛ gowhari@ilam-iau.ac.ir

بیرنر (Ward & Birner, 2004) و هالیدی و ماتیسن (Halliday & Matthiessen, 2004) به عنوان چارچوب نظری مورد استناد قرار گرفته‌اند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار اس‌پی‌اس‌اس (نسخه ۲۳) تجزیه و تحلیل شده‌اند. مقایسه انطباق آغازگر با نهاد در هردو پیکره نمایانگر آن بود که میزان انطباق این دو در پیکره فیلم نسبت به پیکره فوتبال بیشتر است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که از جنبه اطلاعی و در پیکره گزارش ورزشی، آغازگرهای بی‌نشان (نهاد) اغلب از جنبه کلامی استنباطی و از دیدگاه شنونده نو هستند، در حالی که در پیکره فیلم، آغازگرها اغلب از جنبه کلامی و شنونده هر دو کهنه هستند. در پیوند با سازه‌های پیش‌بیننده (آغازگر نشان‌دار) یافته‌ها نشان داد که این سازه‌ها از جنبه کلامی، بیشتر استنباطی (کهنه) و از دیدگاه شنونده نو هستند، در حالی که در پیکره فیلم این سازه‌ها اغلب از جنبه کلامی (و حتی شنونده) نو هستند. همچنین، در هردو پیکره گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای پرتکرارترین سازه‌هایی هستند که جمله‌ها با آن‌ها آغاز می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: آغازگر، نهاد، ساخت اطلاع، اطلاع نو، اطلاع کهنه، مطالعه پیکره‌ای

۱. مقدمه

اصطلاح آغازگر^۱ را هالیدی و ماتیسن (Halliday & Matthiessen, 2004)، از زبان‌شناسان مکتب پراگ وام گرفته‌اند. انتخاب آغازگر به عنوان نقطه عزیمت^۲ پیام، منجر به جهت‌گیری آن شده و به این وسیله از مخاطب درخواست می‌شود که به گونه‌ای پیام را در پند با آغازگر تفسیر نماید. آغازگر سبب برجستگی بخشی از پیام می‌گردد و این موضوع به مخاطب در پردازش پیام کمک می‌کند. به باور هالیدی، آغازگر بی‌نشان نهاد است، ولی در بسیاری از جمله‌ها، شاهد پیش‌بیندسازی افزوده‌ها^۳ به عنوان آغازگر جمله نیز هستیم که حالت نشان‌دار به شمار می‌آید. با این وجود، پیش‌بیندسازی موضوع‌های غیر نهادی^۴ (مانند مفعول صریح) به عنوان آغازگر، حتی در مقایسه با پیش‌بیندسازی افزوده که گاهی رخ می‌دهند، نیز نشان‌دارتر است (همان). در برخی سبک‌های زبانی (مانند گزارش فوتبال)، افزوده‌ها و متمم‌ها به عنوان آغازگر بسیار بیشتر محتمل

¹ theme

² point of departure

³ adjuncts

⁴ Non-subject argument

می‌شوند. هالیدی و ماتیسسن (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 79) بین آغازگر، نهاد و عامل تمایز در نظر می‌گیرند. وی آغازگر را فاعل روان‌شناختی می‌نامد؛ آنچه که موضوع پیام است. آغازگر چیزی است که گوینده در ذهن دارد، هنگامی که او مبادرت به تولید بند می‌کند. برای هالیدی و ماتیسسن (Halliday & Matthiessen, 2004)، فاعل دستوری چیزی است که گزاره در مورد آن است. به باور او، رابطه فاعل و گزاره یک رابطه فقط دستوری و صوری است که می‌تواند بیانگر ویژگی‌های دستوری مانند حالت دستوری باشد. همچنین فاعل دستوری، از دیدگاه هالیدی، آن عنصری است که مبنای مطابقت با فعل از جنبه شخص و شمار قرار می‌گیرد. همچنین، هالیدی و ماتیسسن (Halliday & Matthiessen, 2004) مفاهیم فاعل روان‌شناختی و دستوری را از فاعل منطقی متمایز می‌کند. فاعل منطقی کننده کار به شمار می‌آید. این مفهوم برخلاف فاعل دستوری بیان‌کننده رابطه بین اشیا/چیزها است تا روابط دستوری (همان). به باور هالیدی این سه مفهوم می‌توانند در حالت بی‌نشان با هم منطبق شده، به صورت یک گروه اسمی بازنمائی شوند، در عین حال در حالت‌های نشان‌دار ممکن است، گاهی به وسیله دو گروه اسمی یا سه گروه اسمی بازنمائی شوند. به باور هالیدی، آغازگر دارای نقش متنی است، آغازگر نقطه عزیمت پیام به شمار می‌آید. به بیان دیگر، آغازگر عنصری است که گوینده به عنوان زمینه گفته‌های خود بیان می‌کند. به باور هالیدی و ماتیسسن (Halliday & Matthiessen, 2004)، نهاد دارای نقش تعاملی^۱ است. معنای تعاملی نهاد این است که بند تعاملی است بین گوینده و شنونده. بر این اساس، نهاد عنصری است که از دید گوینده منجر به اعتبار^۲ گفته‌های وی می‌گردد. در نهایت، فاعل منطقی بیانگر نقشی است (کننده کار) در گزاره^۳ که بازگوکننده تجربه ما از دنیا (درون و بیرون) است (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 83). هالیدی و ماتیسسن سه نوع آغازگر در نظر می‌گیرند: آغازگر متنی^۴، آغازگر بینافردی^۵ و آغازگر اصلی^۶. آن‌ها آغازگرهای متنی و بینافردی را هر کدام به سه زیرگروه و روی هم‌رفته به شش گروه دسته‌بندی می‌کند که از این قرارند: ۱- تداومی^۷ - ۲- عبارت ربطی^۸ - ۳- افزوده ربطی^۹، ۴- منادا^{۱۰} - ۵- افزوده

¹ transactional

² validity

³ proposition

⁴ textual

⁵ interpersonal

⁶ topical

⁷ continuative

⁸ conjunction

⁹ conjunctive adjunct

¹⁰ vocative

(افعال) ناقص^۱ -۶ عامل فعلی زماندار^۲ (افعال کمکی). به باور هالیدی و ماتیسسن (همان)، از میان این شش گروه، دو گروه اول ذاتاً^۳ آغازگر هستند که در صورت حضور به صورت اجباری پیش از آغازگر اصلی قرار می‌گیرند. چهار گروه دیگر، مشخصاً^۴ آغازگر هستند، که معمولاً به صورت فراوان در جایگاه آغازگر نمایان می‌شوند. در ساخت آغازگری، فقط شاهد رخداد یک آغازگر اصلی هستیم. هر چند، آغازگرهای متنی و بینافردی ممکن است بیش از یکی باشند (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 105). این آغازگر اصلی می‌تواند موضوع اصلی (فاعل و مفعول)، افزوده (انواع قیدها) و یا حتی فرایند (فعل) باشد (همان). در ادامه به موضوع انطباق ساخت آغازگری با ساخت اطلاع از منظر هالیدی می‌پردازیم.

هالیدی بین نظام بند و نظام اطلاع تمایز در نظر می‌گیرد. به باور وی، نظام اطلاع لزوماً محدود به بند نیست؛ گاهی از بند فراتر می‌رود و گاهی بخشی از یک بند را شامل می‌شود، ولی در حالت بی‌نشان با بند انطباق پیدا می‌کند (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 115). به بیان دیگر، نزدیکترین واحد دستوری به واحد اطلاعی همان بند است. هر چند، در حالت‌های نشان‌دار، ممکن است یک بند با بیش از یک واحد اطلاعی همسو گردد؛ گاهی نیز ممکن است بین بند به عنوان واحد دستوری و گروه نواختی به عنوان واحد اطلاعی هم‌پوشانی وجود داشته باشد؛ برای نمونه، یک واحد اطلاعی شامل یک بند کامل و بخشی از بند دیگر شود (همان). هر واحد اطلاعی تشکیل شده است از بخشی از اطلاع که از جنبه کلامی شناخته شده و قابل پیش‌بینی (اطلاع مفروض) و اختیاری است و بخشی دیگر که غیر قابل پیش‌بینی و اجباری است (اطلاع نو). اطلاع نو دارای برجستگی (نوائی) است و اطلاع مفروض هم در حالت بی‌نشان پیش از اطلاع نو قرار می‌گیرد. در درون گروه نواختی^۵، عنصر برجسته دارای برجستگی نواختی^۶ است. هالیدی و ماتیسسن چنین عنصری را کانون اطلاعی^۷ می‌نامند. همان‌گونه که اشاره شد، در حالت بی‌نشان بین ساخت اطلاع و ساخت آغازگری انطباق وجود دارد. در این حالت، توالی اطلاع مفروض و اطلاع نو با توالی آغازگر و پایان‌بخش منطبق است. اگر چه نظریه دستوری نظام‌مند-نقشی هالیدی و ماتیسسن موضوع آغازگری را با جزئیات شرح داده‌اند، ولی ساخت اطلاع و چگونگی انطباق آن با ساختار بند را بسیار توضیح نداده‌اند. بر این اساس، در رویکرد حاضر در پیوند با نظریه ساخت

¹ modal adjunct

² finite verbal operator

³ inherently

⁴ characteristically

⁵ tone group

⁶ tonic prominence

⁷ informational focus

اطلاع به آثار تخصصی در این زمینه مانند پرنس (Prince, 1992) به عنوان چارچوب نظری استناد می‌گردد. پرنس (Prince, 1992) دو عامل کلام^۱ و شنونده را عوامل موثر در طبقه‌بندی اطلاع می‌داند. طبقه‌بندی جدید نیز دارای امتیاز پیوستاری بودن هست. از آن جا که این دو عامل هر کدام می‌توانند کهنه یا نو باشند، بنابراین، پرنس یک طبقه‌بندی چهارگانه را پیشنهاد می‌کند:

جدول ۱: طبقه‌بندی اطلاع پرنس (Prince, 1992) برگرفته از بیرنر (Birner, 2013, p. 59)

شنونده - نو	شنونده - کهنه	کلام / شنونده
استنباطی	برانگیخته	کلام - کهنه
نو	استفاده نشده ^۲	کلام - نو

در زبان فارسی نیز شاهد پژوهش‌هایی بوده‌ایم که با بهره‌گیری از نظریه ساخت اطلاع سعی نموده‌اند زوایایی از زبان فارسی را مورد کندوکاو قرار دهند. مدرسی (Modaresi, 2007) و گوهری (Gowhary, 2011) بر اساس چارچوب نظری لامبرکت (Lambrech, 1994) ساخت جمله‌های فارسی را مورد بررسی قرار داده، بر نقش وضعیت اطلاعی سازه‌ها در جابه‌جایی‌ها تأکید کرده‌اند. در یک پژوهش تجربی، بیرنر (Birner, 1996) با بررسی پیکره‌ای مشتمل بر بیش از ۱۷۰۰ جمله وارونه نتیجه می‌گیرد که وارونگی (در انگلیسی) متأثر از برخی بررسی‌های اطلاعی است؛ برای نمونه، میزان برانگیختگی و تشخیص‌پذیری سازه پیشنهاد شده نباید از سازه پساینده کمتر باشد. در این پیکره، حتی یک مورد یافت نشد که سازه پیشنهاد شده نوتر از سازه پساینده باشد. هر چند ممکن است هر دو سازه نو باشند، ولی میزان نو بودن آن‌ها در پیکربندی نحوی موثر است. بر این مبنایم، بیرنر (همان) بیان می‌کند که اگر هر دو سازه پساینده و فعال پساینده کهنه و برانگیخته باشند، آن‌گاه آن سازه‌ای که به تازگی در کلام برانگیخته و فعال شده پیشنهاد می‌شود. نتیجه‌گیری دیگری که بیرنر (Birner, 1996) بیان کرده این است که سازه‌های موسوم به استنباطی‌ها در فرایندهایی مانند پیشنهادسازی دارای رفتاری همانند مصداق‌های کلامی-کهنه هستند. در یک پژوهش دیگر، بیرنر و ماهوتیان (Birner & Mahootian, 1997) بر نقش عامل تشخیص‌پذیری را در جمله‌های وارونه در زبان فارسی تأکید کرده‌اند (Birner & Mahootian, 1997, p. 127-136). همین موضوع به وسیله شهیدی (Shahidi, 2000) در جمله‌های مبتدایی مورد بررسی قرار گرفته‌است. بر پایه پژوهش شهیدی (همان)، عنصر مبتدایه تقریباً هیچ‌گاه (حدود یک درصد) دربرگیرنده اطلاع نو نیست،

¹ discourse

² unused

بلکه مشتمل بر اطلاع کهنه است. او نتیجه می‌گیرد مبتداسازی فرایندی شنونده‌محور است که بر حسب قابلیت دسترسی یک عنصر برای شنونده انجام می‌گیرد؛ به بیان دیگر، عنصر مبتداسازده در هر صورت، چه از جنبه کلامی نو باشد و چه کهنه، تقریباً همیشه برای شنونده مشتمل بر اطلاع کهنه و تشخیص‌پذیر است. همچنین راسخ‌مهند برای تبیین رابطه بین قلب نحوی و نوع سازه‌های جابه‌جا شده، به صورت ضمنی، بر تأثیر تشخیص‌پذیری اشاره کرده‌است (Rasekh Mahand, 2006, p. 20-32). در بررسی دیگری، این بار راسخ‌مهند و قیاس‌وند (Rasekh Mahand & Ghiasvand, 2014) به صورت پیکره‌بنیاد، تأثیر عوامل نقشی را بر قلب نحوی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش تأثیر عواملی مانند وزن دستوری، معرفگی، جاننداری و ساخت اطلاعی بر روی فرایند قلب نحوی مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، آن‌ها نمونه‌ای مشتمل بر حداقل ۱۹۰۰ جمله را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که عامل‌های مورد اشاره، به استثنای عامل جاننداری، در مقلوب‌شدن سازه‌ها مؤثرند. هرچه سازه مورد نظر معرفه‌تر، سنگین‌تر، و از جنبه اطلاعی نوتر باشد، احتمال مقلوب شدن آن بیشتر است. با به‌کارگیری مدل آماری رگرسیون لجستیک^۱، آن‌ها تلاش کردند تا به صورت آماری نقش هر یک از سه عامل بالا را در میزان مقلوب کردن سازه‌ها محاسبه نمایند. یافته‌ها نشان داد که ساخت اطلاع نسبت به معرفگی و وزن سازه نقش مهمتری در مقلوب‌شدن سازه‌ها بازی می‌کند.

گاهی عامل ساخت اطلاع در پیوند با دیگر عوامل دستوری و زبان‌ویژه مانند مضاعف‌سازی واژه‌بستی ممکن است سبب جابه‌جائی و ظاهر شدن برخی سازه‌ها به صورت آغازگر (یا پایان-بخش) نشان‌دار گردد. در ادامه، به دو پژوهش جدید در این زمینه می‌پردازیم. احمدی و گوهری (Ahmadi & Gowhari, 2019) رابطه ساخت اطلاع را با خروج مفعول آشکار به سبب حضور واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی در کردی کلهری مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های ضمیری نمی‌توانند به مفعول کانونی ارجاع دهند، و جمله به‌دست آمده نادرستی است. در پیوند با حضور همزمان واژه‌بست ضمیری و مفعول صریح مبتدائی نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، برای پرهیز از حضور همزمان واژه‌بست ضمیری و همتای اسمی آن، گویشوران زبان کردی کلهری از راهکارهای دیگری برای صورت‌بندی جمله‌ها بهره می‌گیرند. ساده‌ترین راه حذف پی‌بست مفعولی و حفظ مفعول صریح یا برعکس حذف مفعول صریح و حفظ واژه‌بست است. در صورتی که بخواهیم هم ضمیر واژه‌بستی و هم مفعول صریح و صوری را حفظ کنیم، راهکار دیگر استفاده از ساخت

¹ logistic regression

موسوم به خروج (چپ و راست) است که گویشوران کردی کلهری بسیار از آن بهره می‌برند. بر این اساس، گویشوران کردی کلهری از پی‌بست (مفعولی) استفاده می‌کنند تا مفعول صریح را از ساختار موضوعی جمله‌های خارج کرده، به صورت یک گروه اسمی مجزاشده در سمت چپ یا راست جمله‌ها قرار دهند. جای این گروه‌های اسمی مجزاشده از لحاظ معنایی و نحوی (ساختار موضوعی) به وسیله پی‌بست‌های ضمیری هم‌مرجع پر شده است. از منظر اطلاعی، مفعول قرار داده شده در آغاز جمله مبتدائی بوده و دارای مصداق تشخیص‌پذیر است. همان‌گونه که اشاره شد، مفعول کانونی نمی‌تواند بر اثر فرایند خروج (به چپ) نقش آغازگر جمله را داشته باشد. در این راستا، معزی‌پور (Moezzi-pour, 2019) نیز در تحلیلی نقش‌گرایانه مضاعف‌سازی واژه‌بستی را علت خروج مفعول صریح و تبدیل آن به عنصر آغازگر جمله می‌داند. برای تحلیل درست موضوع، او بین مرز بند و مرز جمله تمایز در نظر می‌گیرد. به باور وی در فارسی دو گونه وجود دارد: اگر مفعول رایی و واژه‌بست ضمیری در حوزه بند هم‌نمایه باشد، در پیوند با عنوان مضاعف-سازی (دوگان‌سازی) قرار می‌گیرد؛ اگر هم‌نمایی بین این دو سازه در حوزه جمله باشد، فرایند مورد نظر چپ‌نشانی (خروج مفعول به چپ) است. بر مبنای این فرایند، مفعول صریح مبتدائی (دارای مصداق فعال) به عنوان آغازگر در حاشیه قرار گرفته و نقش آن را همان واژه‌بست ضمیری بر عهده می‌گیرد.

۲. بیان مسأله و روش پژوهش

دو گروه عنصر آغازگر در زبان وجود دارند؛ در زبان‌هایی مانند فارسی، در حالت بی‌نشان، آغازگر جمله نهاد است. بر اثر جابه‌جائی و حرکت، ممکن است شاهد انطباق سازه‌ای غیر از نهاد با آغازگر جمله باشیم (حالت نشان‌دار). هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت نحوی و اطلاعی آغازگرها در زبان فارسی است. این پژوهش را می‌توان پیکره‌ای-توصیفی به شمار آورد که داده‌های آن با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس (نسخه ۲۳) مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. به سبب اینکه، نظریه ساخت اطلاع بیشتر مناسب بررسی صورت‌بندی زبان گفتار است، پیکره‌های انتخاب‌شده در پیوند با سبک گفتاری و محاوره‌ای هستند. داده‌های این پژوهش از دو سبک محاوره‌ای تا اندازه‌ای متفاوت به دست آمده‌اند. دو پیکره بررسی شده مشتمل بر بخش‌هایی از یک فیلم سینمایی (جدائی نادر از سیمین) و همچنین قسمت‌هایی از برخی گزارش‌های ورزشی (فوتبال) هستند.^۱ در انتخاب جمله‌ها سعی شده است که ساخت اطلاع و ساخت نحوی فقط

^۱ دلیل برگزیدن دو سبک متفاوت برای مقایسه، پی بردن به چگونگی پراکندگی اطلاع در این سبک‌ها و ژانرهای گوناگون است. بر این اساس، تصور می‌شود که چگونگی صورت‌بندی دستوری جمله‌ها، نوع سازه‌های جابه‌جا شده،

جمله‌های ساده نحوی بررسی شوند. بنابراین، جمله‌های مرکب و پیچیده مشتمل بر بندهای اسمی، موصولی، متممی، مصدری، قیدی و موارد مشابه بوده که خارج از قلمرو پژوهش حاضر هستند. جمله‌های ساده هم می‌توانند بی‌نشان (معلوم) باشند و هم نشان‌دار (مقلوب، مجهول، وارونه و موارد مشابه). البته برای تشخیص وضعیت اطلاعی سازه‌ها به معنای همه جمله‌ها (هم بررسی شده و هم بررسی نشده) توجه شده است. زیرا تعیین وضعیت کلامی و اطلاعی مصداق یک سازه بدون توجه به تمام نشانه‌های موقعیتی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای تعیین وضعیت اطلاعی جمله‌ها، پژوهشگر نیاز دارد که بافت کلی (غیرزبانی) را به صورت دقیق در نظر داشته باشد تا بتواند تشخیصی تا اندازه‌ای درست از وضعیت اطلاعی مصداق یک سازه داشته باشد. برای تشخیص وضعیت اطلاعی سازه‌ها که بزرگترین چالش پژوهش حاضر بوده است، نگارنده ناگزیر بود چندین بار جمله را بخواند. به این منظور که ارتباط آن جمله را با جمله‌های پیشین و پسین و همچنین با بافت غیرزبانی دریابد تا تمامی عوامل موقعیتی و کلامی را در نظر گیرد. در بسیاری از جمله‌ها، بر اساس چارچوب نظری هالیدی و ماتیسسن (Halliday & Matthiessen, 2004)، پرنس (Prince, 1992) و همچنین صورت اصلاح شده آن در وارد و بیرنر (Ward & Birner, 2004) و بیرنر (Birner, 2013)، نگارنده از استنباط و استنتاج برای تشخیص نوع مصداق و وضعیت اطلاعی سازه‌ها بهره برده است. در مواردی که تردید وجود داشت، از راهنمایی همکاران و استادها بهره گرفته شد. گاهی نگارنده مجبور شده است که مبانی نظری را دوباره مرور نماید تا از تشخیص خود اطمینان به دست آورد.

تنوعات مربوط به انطباق یا عدم انطباق آغازگر با نهاد (حالت بی‌نشان) یا دیگر نقش‌ها و مقوله‌های دستوری (حالت نشان‌دار) در این دو سبک می‌تواند متفاوت باشد. در حقیقت، هدف اصلی پژوهش حاضر یافتن همین شباهت‌ها و تفاوت‌های محتمل بین این دو نوع سبک گفتاری از جنبه ساخت اطلاع و ساخت آغازگری است. در قسمت تحلیل داده‌ها و نتیجه، تفاوت‌ها (و شباهت‌ها) دو پیکره مورد بررسی به شکل توصیفی ارائه خواهد شد. بر این اساس، یافته‌های این پژوهش از این جنبه اهمیت خواهد داشت که مشخص می‌کند ساخت اطلاع و ساخت آغازگری در یک زبان ثابت و مشخص نیست، بلکه متأثر از سبک و ژانر زبان خواهد بود. بر این اساس، منطقی است که نخست پیشنهاد گردد که ساخت اطلاع و ساخت آغازگری به صورت جداگانه در همه سبک‌های زبان مورد بررسی قرار گیرند. همچنین، می‌توان هر یک از این سبک‌ها را با هم مقایسه نمود. در این پژوهش، دو سبک مهم و روزمره از زبان فارسی به دقت مورد بررسی قرار گرفته است. نگارندگان آگاه‌اند که این دو سبک با هم متفاوت هستند. هدف آن‌ها یافتن توصیف و تبیین همین تفاوت‌ها بوده است. به این سبب که در همه سبک‌ها و ژانرهای زبان، تأثیر ساخت اطلاع بر روی صورت‌بندی زبانی، می‌تواند تصویر بهتری از تعامل میان چگونگی پراکندگی اطلاع و صورت‌بندی زبانی جمله‌ها ارائه دهد.

یکی از موضوع‌هایی که در نظریه ساخت اطلاع به آن توجه می‌شود، بررسی بی‌نشانی/ نشان‌داری نحوی جمله‌ها است. جمله‌هایی که از توالی مرسوم فاعل + مفعول + فعل پیروی نکنند، از جنبه نحوی نشان‌دار به شمار می‌آیند. در تحلیل داده‌ها، جمله‌های بی‌نشان نحوی با عدد ۱ و جمله‌های نشان‌دار نحوی با عدد ۲ شماره‌گذاری شده‌اند. همچنین، در نظریه ساخت اطلاع، جابه‌جایی سازه‌ها و تبیین علت این موضوع بسیار اهمیت دارد و به همین سبب در پژوهش حاضر نیز به آن پرداخته می‌شود. از این دیدگاه، جمله‌ها به چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند (شماره‌گذاری ۱-۴). نخست، جمله‌هایی که فاقد حرکت یا جابه‌جایی سازه‌ها هستند. دوم، جمله‌هایی که در آن‌ها شاهد پیش‌سازندسازی سازه‌ها هستیم. سوم، جمله‌های دارای پس‌سازندسازی که سازه‌ای از جایگاه پیش از فعل به پس از فعل منتقل می‌شود.^۱ در نهایت، جمله‌هایی که در آن‌ها به صورت هم‌زمان شاهد هم‌پیش‌سازندسازی و هم پس‌سازندسازی سازه‌ها هستیم. در پژوهش حاضر به ویژه وضعیت اطلاعی سازه‌های پیش‌سازندشده را مورد بررسی قرار خواهیم داد. موضوع دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، بررسی میزان انطباق سازه آغازین با نهاد جمله است. در حالت بی‌نشان (نحوی و اطلاعی)، نهاد یک جمله همان سازه آغازین است. هر چند، به سبب جابه‌جایی‌ها و بررسی‌های نقشی و کلامی، ممکن است نهاد با سازه آغازین جمله منطبق نباشد. در پژوهش حاضر، برآینم تا دریابیم که در دو پیکره مورد بررسی در زبان فارسی، تا چه میزان شاهد این (عدم) انطباق هستیم. برای تحلیل داده‌ها، انطباق این دو عنصر را با عدد ۱ و عدم انطباق نهاد و عنصر آغازین را با عدد ۲ شماره‌گذاری کرده‌ایم. موضوع دیگری در این مطالعه در دو پیکره بررسی می‌شود مشخص کردن وضعیت اطلاعی سازه آغازگر است. وضعیت اطلاعی مورد استناد در این پژوهش برگرفته از پرنس (1992, Prince) و بیرنر (2013, Birner) است. پرنس اطلاع را بر اساس دو عامل کلام و شنونده دسته‌بندی می‌نماید. بر اساس این رویکرد، اطلاع از منظر کلامی ممکن است کهنه یا نو باشد. همچنین از دید شنونده، اطلاع ممکن است کهنه یا نو باشد. بنابراین، پرنس یک طبقه‌بندی چهار مقوله‌ای از اطلاع ارائه می‌نماید: ۱. کلام کهنه، شنونده کهنه، ۲. کلام کهنه، شنونده نو، ۳. کلام نو، شنونده کهنه، ۴. کلام نو، شنونده نو. بر این اساس، اطلاع به ترتیب ۱-۴ به ترتیب اشاره شده در این پژوهش شماره‌گذاری می‌شود. افزون بر تعیین وضعیت اطلاعی، مقوله نحوی سازه آغازین نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالت بی‌نشان، نهاد جمله سازه آغازین است که مقوله نحوی آن گروه اسمی است. علاوه بر گروه اسمی، فرایندهای نحوی مانند

^۱ در این پژوهش، به سازه‌های پس‌سازندشده پرداخته نمی‌شود، زیرا که آن‌ها نقشی در ساخت آغازگری ندارند.

پیش‌اندازی ممکن است سازه‌های دیگری را هم به آغاز جمله منتقل کنند (حالت نشان‌دار). در پژوهش حاضر، هفت مقوله نحوی شناسایی و شماره‌گذاری شدند که مشتمل اند بر گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای، گروه صفتی، گروه قیدی، عبارات ربطی، پرسش واژه‌ها، بند و گروه فعلی. به ترتیب این هفت مقوله از ۱ تا ۷ شماره‌گذاری شدند. در پایان، آغازگر نشان‌دار عنصری غیر از نهاد است که بر اثر پیش‌اندازی به جایگاه آغازین جمله منتقل شده‌است. یکی از موضوعاتی که در نظریه ساخت اطلاع بسیار مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته‌است، تعیین وضعیت اطلاعی سازه‌های پیش‌اندشده بر اثر فرایندهای مانند وارونگی، قلب و موارد مشابه است. به همین ترتیب، در این پژوهش می‌خواهیم بدانیم که سازه‌های پیش‌اندشده عموماً از کدام الگوی پرنس پیروی می‌کنند. سازه‌های پیش‌اندشده براساس الگوی پرنس از ۱ تا ۴ برای تحلیل آماری شماره‌گذاری خواهند شد. علاوه بر تعیین وضعیت اطلاعی، مقوله نحوی سازه پیش‌اندسازی شده بر پایه طبقه‌بندی هفت‌گانه اشاره‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معلوم شود که در پیکره مورد بررسی در این پژوهش کدام مقوله نحوی بیشتر تمایل به پیش‌اندسازی دارد.

از جنبه روش‌شناختی، به سبب اینکه از پیکره‌ها و داده‌های واقعی بهره گرفته شده‌است، می‌توان آن را پیکره بنیاد به شمار آورد. زبان‌شناسی پیکره‌ای یک روش علمی برای تحلیل زبان است. در این رویکرد، تحلیل‌گر در پی یافتن شواهد تجربی از زبان برای اثبات یا رد فرضیه‌های او در مورد زبان است (Brezina, 2018). همانند دیگر علوم، زبان‌شناس در پی کسب اعتبار یافته‌ای پژوهش خود است. به بیان دیگر، تکرار پژوهش‌هایی مشابه باید منجر به یافته‌هایی کم و بیش یکسان گردد و به این ترتیب بتوان یافته‌ها را به کل جامعه آماری تعمیم داد (همان). برای دستیابی به این هدف، لازم است در گردآوری نمونه دقت کافی وجود داشته باشد تا یافته‌های به‌دست‌آمده نمایانگر واقعیت باشد. بر این اساس، چگونگی انتخاب نمونه و حجم آن می‌تواند نقش مهمی در راستای تعمیم‌پذیری یافته‌ها داشته باشد. پیکره مورد بررسی هم می‌تواند بسیار گسترده باشد و هم محدود و مشخص (همان). یک پیکره عظیم می‌تواند شامل میلیون‌ها واژه باشد که در دوره زمانی ویژه به وسیله گروهی از مردم تولید شده‌اند. در مورد حجم نمونه، قاعده مشخصی وجود ندارد. هدف پژوهش به همراه ژرفا و گستردگی متغیرهای مورد بررسی می‌تواند در حجم نمونه مورد بررسی تأثیرگذار باشد. در پژوهش‌هایی که شمار متغیرهای مورد بررسی کمتر باشد، می‌توان از پیکره‌های بزرگتری بهره برد. بی‌گمان در پژوهش‌هایی که روابط بسیاری از متغیرهای زبانی را بررسی می‌کنند، می‌توان از پیکره‌های زبانی کوچک‌تر بهره گرفت (Brezina, 2018, p. 15). گاهی حتی نمونه‌ها آن‌قدر بزرگ هستند که عملاً با جامعه آماری

یکی هستند. برای نمونه، اگر بخواهیم شمار واژه‌ها و اصطلاح‌هایی که روزنامه‌های غربی در یک دوره ویژه در مورد مسلمانان نوشته‌اند را بررسی کنیم، لازم است تمام روزنامه‌ها را در آن بازه زمانی مورد بررسی قرار داد (Baker et al., 2013). بنابراین، در پیوند با حجم پیکره مورد بررسی قاعده‌ای جهانی وجود ندارد (Brezina, 2018). همان‌گونه که گفته شد، نوع پرسش‌های پژوهش، تعداد متغیرهای مورد بررسی و عمق بررسی‌های انجام شده و موارد مشابه می‌توانند در حجم نمونه تأثیر گذار باشند. در پژوهش حاضر در حدود ۴۷۵ جمله از دو پیکره متفاوت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، در پژوهش حاضر متغیرهای فراوانی مانند توالی تشخیص پذیری، مقوله نحوی آغازگرها، عدم یا عدم انطباق آغازگر با نهاد، انواع مقولات پیشنهاد شده، نوع جمله‌ها و نوع حرکت و موارد مشابه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که زمانی در حدود سه ماه برای شماره‌گذاری، توصیف و تحلیل اولیه آن‌ها صرف شده‌است. با توجه به محدودیت‌های زمانی در انجام این پژوهش، به باور نگارندگان توصیف و تحلیل دقیق این تعداد جمله و با در نظر گرفتن این همه متغیر بسیار مهم و با اهمیت است. با توجه به بررسی مفاهیم نظری، نگارندگان اطمینان دارند که حجم مورد بررسی می‌تواند نمایانگر وضعیت کلی زبان در هر کدام از دو سبک بررسی شده باشد. افزون بر این، بررسی پیشینه موضوع نیز نشان می‌دهد که در این گونه پژوهش‌ها نمی‌توان پیکره‌های چند ده یا چند صد هزاری از جمله‌ها را مورد بررسی قرار داد.

به سبب آنکه در قسمت یافته‌ها، فقط آمار و بحث‌های مرتبط ارائه می‌شود، برای روشن شدن موضوع، در این‌جا نمونه‌هایی از جمله‌های مورد بررسی ارائه شده‌است. برای جمله‌هایی که مشتمل بر سازه‌های پیشنهاد شده هستند، در داخل پرانتز معادل بی‌نشان آن‌ها نیز بیان شده‌است. ابتدا نمونه‌هایی از آغازگرهای نشان‌دار (۱-۱۷) ارائه شده، سپس نمونه‌هایی از آغازگرهای بی‌نشان (۱۸-۲۰) هم آورده شده‌است. در بسیاری از جمله‌ها به ویژه در سبک گزارش ورزشی، آغازگر جمله ممکن است عنصری غیر از نهاد جمله باشد (حالت نشان‌دار).

۱. اولین حرکت رو بازیکنان یوونتوس انجام می‌دهند. (بازیکنان یوونتوس اولین حرکت رو انجام می‌دهند)

۲. ارتباط رو بازیکنای رئال قطع می‌کنند. (بازیکنای رئال ارتباط رو قطع می‌کنند).

۳. توپ رو بنزما بیرون می‌زنه. (بنزما توپ رو بیرون می‌زنه)

۴. بازی رو بوفون باید شروع کنه. (بوفون باید بازی رو شروع کنه).

۵. بدون خطا توپ به بیرون می‌ره. (توپ بدون خطا به بیرون می‌ره).

۶. گوشه زمین کار گره خورده. (کار، گوشه زمین گره خورده).

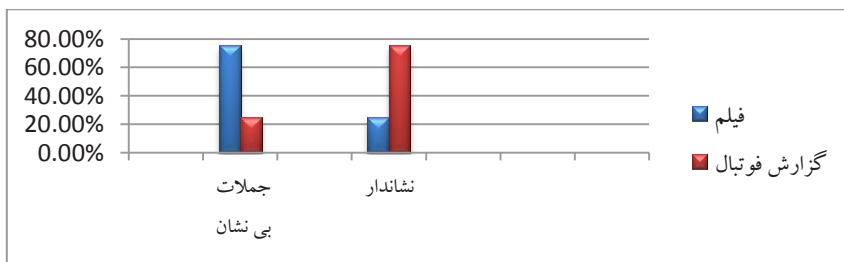
۷. برای کارواخال، ناواس توپ رو بلند می‌فرسته. (ناواس توپ رو بلند برای کارواخال می‌فرسته).

۸. خطا به نفع تیم رئال گرفته شد. (داور به نفع تیم رئال ۷ خطا رو گرفت).
 ۹. هند کریم بنزما اعلام می‌شه. (داور هند کریم بنزما رو اعلام می‌کنه).
 ۱۰. هندش گرفته شد. (داور هندش رو گرفت).
 ۱۱. در سمت راست تصویر تیم رئال هست. (تیم رئال در سمت راست تصویر هست).
 ۱۲. در سمت چپ تصویر تیم یوونتوس قرار گرفته. (تیم یوونتوس در سمت چپ تصویر قرار گرفته).
 ۱۳. پشت دروازه یوونتوس طرفداران رئال هستند. (طرفداران رئال پشت دروازه یوونتوس هستند).
 ۱۴. پشت دروازه رئال طرفداران یوونتوس هستند. (طرفداران یوونتوس پشت دروازه رئال هستند).
 ۱۵. سرخیو راموس، داور خطاشو گرفت. (داور خطای سرخیو راموس رو گرفت).
 ۱۶. گرت بیل، داور بهش کارت زرد نشون می‌ده. (داور به گرت بیل کارت زرد نشون می‌ده).
 ۱۷. سامی خدیرا، شاید مربی تعویضش کنه. (شاید مربی سامی خدیرا رو تعویض کنه).
 ۱۸. داور سوت آغاز بازی را به صدا در می‌آورد.
 ۱۹. دروازه‌بان توپ رو به مدافع می‌سپاره.
 ۲۰. راموس توپ رو بلند می‌فرسته.
- نمونه‌ای از جمله‌های بررسی شده مربوط به پیکره فیلم
۲۱. تو برای من دادخواست طلاق فرستادی.
 ۲۲. پدر ایشان الزایمر داره.
 ۲۳. من بازداشتگاه نمی‌رم.
 ۲۴. این کارو ما تا با هم شروع کردیم.
 ۲۵. اینو چرا تو به من نگفتی؟
 ۲۶. بچشو من نکشتم.
 ۲۷. پدر منو این خانم بسته به تخت.
 ۲۸. مهریه تورو من می‌دم.
- جمله‌های شماره (۱)، (۲)، (۳) و (۴) همگی جمله‌های مبتدائی هستند که در آن‌ها شاهد پیشایندهای مفعول هستیم. جمله‌های شماره (۵)، (۶) و (۷) نمونه‌هایی از جمله‌های مقلوب هستند. در جمله‌های شماره (۵) و (۷) پیشایندهای گروه حرف اضافه‌ای رخ داده‌است و در جمله شماره (۶) پیشایندهای گروه قیدی مشاهده می‌شود. جمله‌های شماره (۸)، (۹) و (۱۰) نمونه‌هایی از جمله‌های مجهول هستند که در آن‌ها شاهد پیشایندهای مفعول هستیم. جمله‌های شماره (۱۱)، (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) جمله‌های وارونه هستند که در آن‌ها پیشایندهای عبارت حرف اضافه‌ای رخ داده‌است. در جمله‌های شماره (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) فرآیند خروج به چپ (بر اساس خط انگلیسی) اتفاق افتاده‌است و موسوم به به جمله‌های خروج به چپ هستند. مفعول (مستفیم یا حرف اضافه)

جمله‌ها از جایگاه بی‌نشان خود خارج شده و در آغاز جمله به عنوان آغازگر نشان‌دار قرار گرفته‌است. تفاوت این جمله‌ها با جملات (۱-۴) این است که در جمله‌های موسوم به خروج به چپ (جمله‌های ۱۵-۱۷)، پس از تلفظ عنصر خارج شده (معمولاً مفعول) شاهد توقف هستیم. در جمله‌های (۱-۱۷) که همگی از جنبه نحوی نشان‌دار به شمار می‌آیند، عنصری غیر از نهاد جمله نقش آغازگر جمله را بر عهده گرفته‌است. هر چند، در سه جمله آخر (۱۸-۲۰) که معلوم هستند شاهد انطباق نهاد جمله با آغازگر جمله هستیم. جمله‌های ۲۱ تا ۲۸ تعداد اندکی از جمله‌های بررسی شده پیکره فیلم هستند. در جمله‌های ۲۱ تا ۲۳، شاهد انطباق فاعل با آغازگر هستیم و در جمله‌های ۲۴ تا ۲۸ عنصری غیر از فاعل (مفعول) با آغازگر جمله منطبق شده‌است. همانند موارد مربوط به پیکره گزارش فوتبال، ساخت اطلاع و میزان برانگیختگی کلامی نقش مهمی در پیش‌بینی سازی عناصر غیر فاعلی به عنوان آغازگر جمله بر عهده دارند.

۳. یافته‌ها

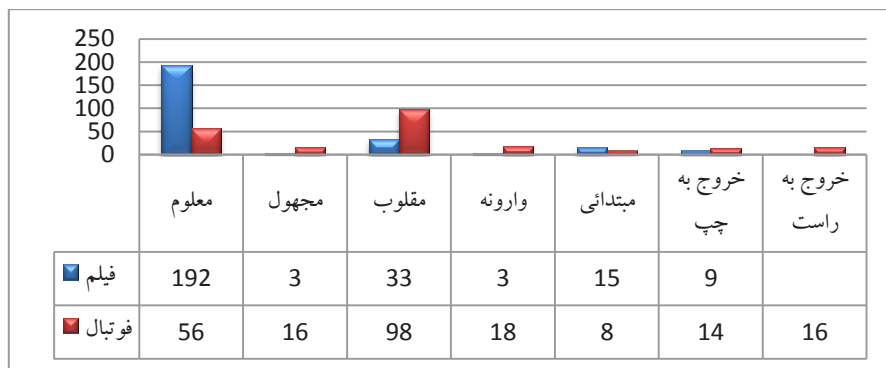
در این پژوهش، دو پیکره زبانی جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. روی هم‌رفته، ۲۵۵ جمله مربوط به پیکره فیلم و ۲۲۶ جمله مربوط به پیکره گزارش فوتبال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس، این جمله‌ها بر مبنای نشان‌داری نحوی به دو گروه بی‌نشان نحوی (جمله‌های معلوم) و نشان‌دار نحوی (جمله‌های مجهول، مقلوب، مبتدائی، وارونه و موارد مشابه) دسته‌بندی شدند. شکل (۱) پراکندگی جمله‌های بی‌نشان و نشان‌دار را در دو پیکره بررسی شده، نشان می‌دهد.



شکل ۱: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای نشان‌داری نحوی جمله‌ها

این نمودار به خوبی نشان می‌دهد، که در پیکره فیلم، از مجموع ۲۵۵ جمله بررسی شده، ۳٪ از جنبه نحوی بی‌نشان هستند. در مقابل، در پیکره گزارش فوتبال به صورت چشمگیری شاهد فراوانی بالای جمله‌های نشان‌دار هستیم (در قسمت بحث، برای این موضوع استدلال‌هایی ارائه می‌شود). روی هم‌رفته ۲٪ ۷۵٪ جمله‌های بررسی شده مربوط به گزارش فوتبال از جنبه نحوی

نشان‌دار تشخیص داده شده‌اند. نمودار (۲) پراکندگی فراوانی همه جمله‌های بررسی شده را بر پایه نوع جمله نشان می‌دهد.



شکل ۲: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای نوع جمله‌ها

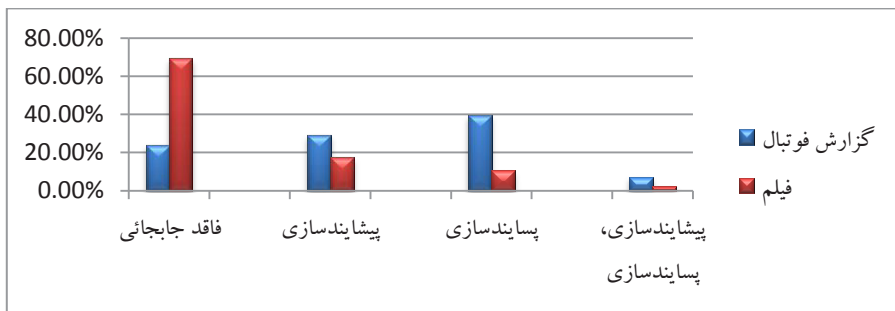
همان گونه که نمودار پیشین نشان داد، بیشتر جمله‌های ساده به کاررفته در فیلم مورد بررسی معلوم و بی‌نشان هستند (۳.۷۵٪). فقط ۲۴.۷٪ از جمله‌های ساده مورد بررسی از جنبه نحوی نشان‌دار هستند. شکل (۲) نشان می‌دهد که از میان همگی ۲۵۵ جمله بررسی شده، ۶۳ جمله از جنبه نحوی نشان‌دار هستند که اغلب مقلوب هستند (۳۳ مورد). جمله‌های مبتدائی هم ۱۵ (درصد) مورد مشاهده هستند. در مقابل، در مجموع ۲۲۶ جمله بررسی شده مربوط به پیکره فوتبال، روی هم رفته ۷۰ جمله به عنوان ساخت نحوی نشان‌دار تشخیص داده شده‌اند که اغلب، جمله‌های مقلوب هستند (۹۸ جمله). جمله‌های وارونه و مجهول نیز تا اندازه‌ای پر کاربرد بوده‌اند.

حرکت سازه‌ها با دو عنوان کلی پیش‌ساز و پس‌ساز دسته‌بندی شده‌اند. در برخی جمله‌ها نیز هم‌زمان شاهد هر دو فرایند هستیم. البته در بسیاری از جمله‌ها نیز سازه‌ها جابه‌جا نشده‌اند. جدول (۱) توزیع فراوانی و درصد جمله‌های بررسی شده را بر مبنای نوع حرکت نشان می‌دهد.

جدول ۱: فراوانی و درصد جمله‌های بررسی شده بر مبنای نوع حرکت

نوع جابه‌جایی	فراوانی / درصد	بدون عنصر جابه‌جاشده	پیش‌ساز	پس‌ساز	پیش‌ساز / پس‌ساز	مجموع
فیلم	فراوانی: ۱۷۷ درصد: ۶۹,۴٪	۴۵	۲۷	۶	۲۵۵	
گزارش فوتبال	فراوانی: ۵۴ درصد: ۲۳,۹٪	۶۶	۱۰۲	۱۶	۲۲۸	

این جدول نشان می‌دهد که نسبت جابه‌جائی عناصر در پیکره گزارش فوتبال بسیار بیشتر از پیکره فیلم است. در پیکره فیلم، از مجموع ۲۵۵ جمله، در ۶۹.۴٪ جمله‌ها، سازه‌ای جابه‌جا نشده‌است. این در حالی است که در گزارش فوتبال، این آمار ۲۳٪ است. میزان پسایندسازی در پیکره فوتبال از میزان پیشایندسازی بیشتر است. هر چند در پیکره فیلم عکس این موضوع، درست است؛ میزان پیشایندسازی از پسایندسازی بیشتر است. شکل زیر تفاوت دو پیکره بررسی شده را از جنبه نوع حرکت سازه به تصویر کشیده‌است.



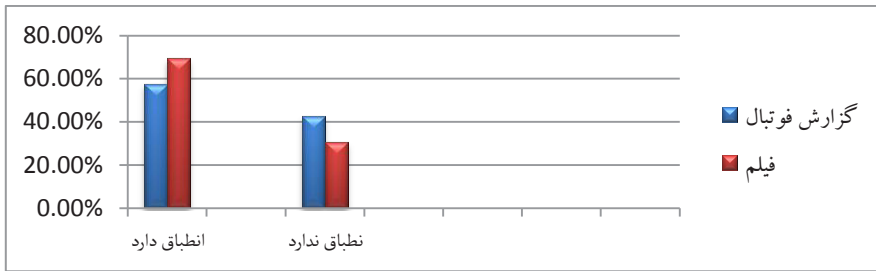
شکل ۳: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر اساس نوع حرکت سازه

در حالت بی‌نشان، آغازگر جمله با نهاد آن منطبق است، اما همیشه این انطباق کامل نیست. جدول (۲) آمار مربوط به انطباق آغازگر با نهاد را در دو پیکره مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۲: پراکندگی فراوانی و درصد داده‌ها به تفکیک انطباق آغازگر با نهاد

مجموع	گزارش فوتبال		مجموع	فیلم		فراوانی / درصد
	ندارد	دارد		ندارد	دارد	
۲۲۶	۹۶	۱۳۰	۲۵۵	۷۸	۱۷۷	فراوانی
%۱۰۰	%۴۲,۵	%۵۷,۵	%۱۰۰	%۳۰,۶	%۶۹,۴	درصد

این آمار بیانگر این است که در پیکره مورد بررسی از مجموع ۲۵۵ جمله بررسی شده، در ۴.۶۹٪ از موارد، ما شاهد انطباق این دو مفهوم دستوری و بیان آن‌ها با یک سازه بوده‌ایم. از مجموع ۲۲۶ جمله پیکره گزارش فوتبال، در ۷۵.۵٪ موارد، نهاد جمله همان عنصر آغازگر بوده‌است. این آمار نشان می‌دهد که در پیکره مربوط به گزارش فوتبال شاهد انطباق کمتری بین نهاد و آغازگر هستیم (آغازگر نشان‌دار).



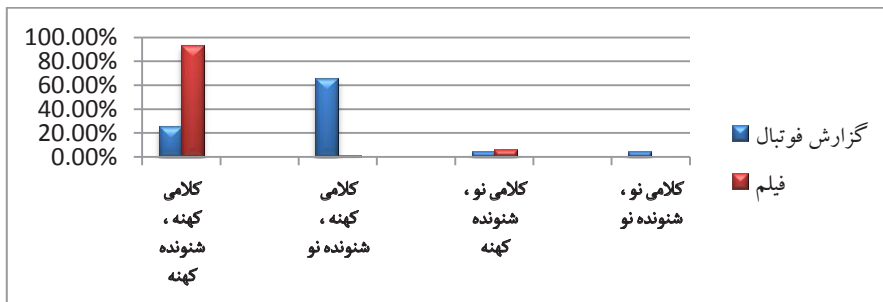
شکل ۴: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای انطباق/عدم انطباق آغازگر با نهاد

در ادامه، ابتدا وضعیت اطلاعی نهاد و سپس وضعیت اطلاعی آغازگر جمله‌ها در دو پیکره بررسی شده ارزیابی می‌شوند. جدول (۳) وضعیت اطلاعی نهاد را در هر دو پیکره نشان می‌دهد.

جدول ۳: فراوانی و درصد داده‌ها به تفکیک وضعیت اطلاعی نهاد

وضعیت اطلاعی نهاد	فراوانی / درصد			
	کلام-نو، شنونده-نو	کلام-نو، شنونده-کهنه	کلام-کهنه، شنونده-نو	کلام-کهنه، شنونده-کهنه
فیلم	۰	۱۵	۳	۲۳۷
گزارش فوتبال	۱۰	۱۰	۱۴۸	۵۸
مجموع	۲۵۵	۱۰	۱۵۱	۲۹۵
	٪۰	٪۵,۹	٪۱,۲	٪۹۲,۹
	٪۱۰۰	٪۴,۴	٪۶۵,۵	٪۲۵,۷

جدول (۳) نشان می‌دهد که اختلاف بسیاری مابین وضعیت اطلاعی نهاد در دو پیکره فیلم و گزارش فوتبال مشاهده می‌شود. در پیکره فیلم، از مجموع ۲۵۵ جمله بررسی شده، در ۰٪ (۰ مورد) نهاد جمله هم از جنبه کلامی و هم از منظر شنونده در بردارنده اطلاع کهنه هستند. این در حالی است که در پیکره فوتبال، در ۵۸٪ (۱۴۸ مورد) نهاد اگرچه از جنبه کلامی کهنه بوده، ولی از منظر شنونده در بردارنده اطلاع نو است. در قسمت بحث، در پیوند با این تفاوت چشم‌گیر، دلیل‌ها و استدلال‌های لازم ارزیابی شده‌اند. شکل (۵) وضعیت اطلاعی نهاد را در دو پیکره مورد بررسی نشان می‌دهد.



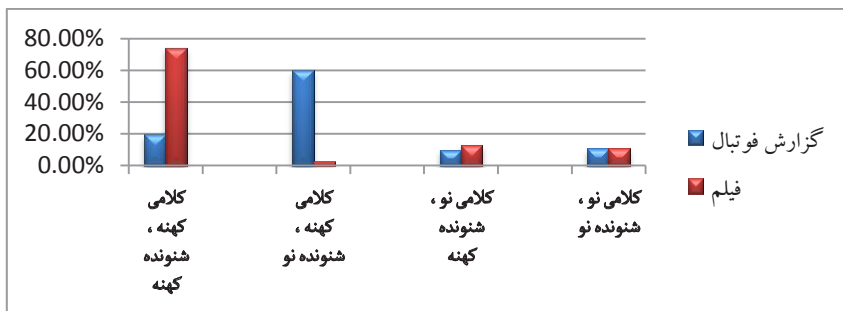
شکل ۵: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای وضعیت اطلاعی نهاد

همانند نهاد (آغازگر بی نشان)، وضعیت اطلاعی آغازگر نیز در هردو پیکره بررسی شد. جدول (۴) آمار هر دو پیکره را نشان می‌دهد.

جدول ۴: فراوانی و درصد داده‌ها به تفکیک وضعیت اطلاعی سازه آغازگر

وضعیت اطلاعی آغازگر	فراوانی / درصد	کلام- کهنه، شنونده- کهنه	کلام- نو، شنونده- کهنه	کلام- کهنه، شنونده- نو	کلام- نو، شنونده- نو	مجموع
فیلم	فراوانی	۱۸۹	۶	۳۳	۲۷	۲۵۵
	درصد	۷۴٫۱٪	۲٫۴٪	۱۲٫۹٪	۱۰٫۶٪	۱۰۰٪
گزارش فوتبال	فراوانی	۴۴	۱۳۴	۲۲	۲۴	۲۲۴
	درصد	۱۹٫۶٪	۵۹٫۸٪	۹٫۸٪	۱۰٫۷٪	۱۰۰٪

همچنان که قابل پیش‌بینی است، تقریباً همان الگوی نهاد در این جا نیز چیرگی دارد. این جدول نشان می‌دهد که از جنبه اطلاعی، از مجموع ۲۵۵ جمله، در بیشتر موارد، جمله‌های بررسی شده، آغازگر جمله در پیکره فیلم از جنبه کلامی و شنونده دربرگیرنده اطلاع کهنه است. در مقابل، در ۲۲۴ جمله بررسی شده در گزارش فوتبال، در ۸۵٫۸٪ از موارد، آغازگر جمله از جنبه کلامی کهنه، ولی از منظر شنونده حاوی اطلاع نو است. بنابراین، در پیوند با وضعیت اطلاعی آغازگر نیز بین دو پیکره مشاهده شده تفاوت اساسی دیده می‌شود. این دستاورد مهم در قسمت بحث بیشتر مورد کندو کاو قرار می‌گیرد. شکل (۶) نیز این تفاوت را به تصویر کشیده است.



شکل ۶: توزیع فراوانی داده‌های بررسی شده بر پایه وضعیت اطلاعی آغازگرها

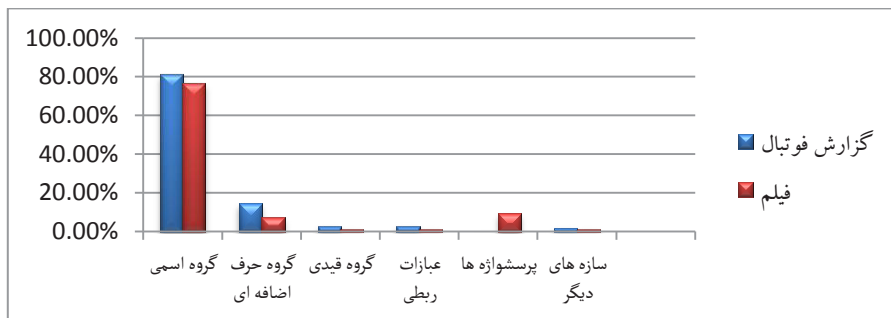
پس از بررسی اجمالی وضعیت اطلاع آغازگرها در جمله‌های بررسی شده، جدول (۵) مقوله نحوی^۱ آغازگرها را نمایان می‌کند.

^۱ برخلاف آغازگر، مقوله نحوی نهاد مورد بررسی قرار نگرفته است، زیرا که نهاد همیشه بوسیله گروه اسمی نمود پیدا می‌کند.

جدول ۵: فراوانی و درصد داده‌ها به تفکیک مقوله نحوی سازه آغازگر

مقوله نحوی آغازگر	فراوانی / درصد	گروه اسمی	گروه اضافه‌ای	گروه قیدی	عبارات ربطی	پرشش واژه‌ها	سازه های دیگر	مجموع
فیلم	فراوانی: ۱۹۵ درصد: ۷۶٫۵٪	۱۸	۱۸	۳	۱۲	۲۴	۳	۲۵۵
گزارش	فراوانی: ۱۸۲ درصد: ۸۱٫۲٪	۳۲	۳۲	۶	۰	۰	۴	۲۲۴

این جدول نشان می‌دهد که در هر دو پیکره گروه اسمی پرتکرارترین سازه‌ای است که جمله‌ها با آن آغاز می‌شود. در هر دو پیکره این موضوع به چشم می‌خورد. در پیکره فیلم، از مجموع ۲۵۵ جمله، در ۷۶٫۵٪ از موارد، سازه آغازگر گروه اسمی بوده‌است. این میزان در پیکره گزارش فوتبال، ۸۱٫۲٪ بوده‌است. پس از گروه اسمی، در هر دو پیکره، گروه حرف اضافه‌ای سازه آغازگر بوده‌است. تفاوت مهم در دو پیکره استفاده نسبتاً بسیار از پرشش واژه (۹٫۴٪) در پیکره فیلم نسبت به پیکره گزارش فوتبال به عنوان آغازگر جمله است. هر چند این امر البته منطقی به نظر می‌رسد و در قسمت بحث به این موضوع هم پرداخته شده‌است. شکل (۷) یافته‌های آماری مورد اشاره را به تصویر کشیده‌است.



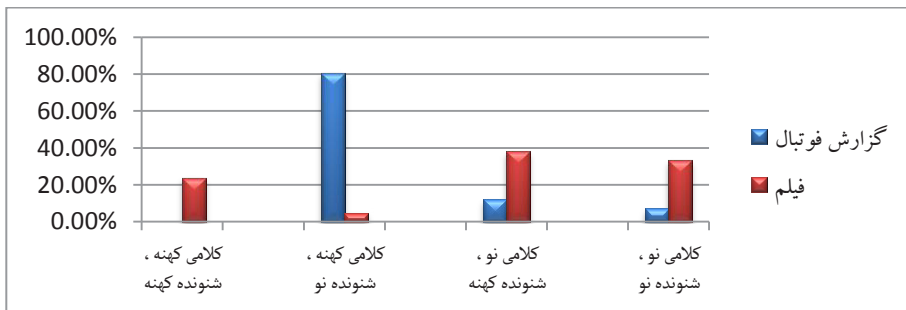
شکل ۷: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای مقوله نحوی آغازگر

همان‌گونه که اشاره شد، نهاد جمله آغازگر بی‌نشان است. برخی فرایندها مانند پیش‌اندسازی سبب ایجاد آغازگر نشان‌دار در جمله‌ها می‌شوند. هم در پیکره فیلم و هم گزارش فوتبال، شاهد پیش‌اندسازی برخی از ارکان جمله در آغاز جمله هستیم. در ادامه وضعیت اطلاعی، مقوله نحوی و نقش دستوری آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. جدول (۶) وضعیت اطلاعی این سازه‌های پیش‌اندشده را در هر دو پیکره نشان می‌دهد.

جدول ۶: فراوانی و درصد داده‌ها بر مبنای وضعیت اطلاعی سازه پیش‌اندشده

مجموع	کلام-نو، شنونده- کهنه		کلام-کهنه، شنونده- نو		فراوانی / درصد	وضعیت اطلاعی سازه پیش‌اندشده
	۶۳	۲۱	۲۴	۳	۱۵	فراوانی
%۱۰۰	%۳۳,۳	%۳۸,۱	%۴,۸	%۲۳,۸	درصد	
۸۲	۶	۱۰	۶۶	-	فراوانی	گزارش فوتبال
%۱۰۰	%۷,۳	%۱۲,۲	%۸۰,۵	-	درصد	

جدول (۶) نشان می‌دهد که سازه‌های پیش‌اندشده (آغازگر نشان‌دار) در دو پیکره زبانی بررسی شده دارای الگوهای کاملاً متفاوتی هستند. از میان ۸۲ سازه پیش‌اندشده در پیکره گزارش فوتبال، در ۸۰,۵ درصد از موارد، هر چند سازه پیش‌اندشده از جنبه کلامی کهنه است، ولی از منظر شنونده نو گزارش شده است. در مقابل، در پیکره فوتبال فیلم، بیشتر سازه‌های پیش‌اندشده از جنبه کلامی نو هستند (روی هم رفته در ۷۱,۴٪ موارد). همین جدول نشان می‌دهد که در ۳۳,۳٪ از جمله‌ها هم، سازه پیش‌اندشده هم از جنبه کلامی و هم شنونده نو هستند. این جمله‌ها اغلب جمله‌های پرسشی هستند که با پرسش‌واژه‌ها آغاز می‌شوند. نکته دیگر در مورد جدول بالا، میزان بیشتر پیش‌اندسازی سازه‌های زبانی در پیکره فوتبال است که نسبت به زبان روزمره (مانند گزارش فوتبال) از انعطاف‌پذیری بالاتری برخوردار است. شکل (۸) تفاوت‌های دو پیکره زبانی مورد بررسی را به روشنی نشان می‌دهد.



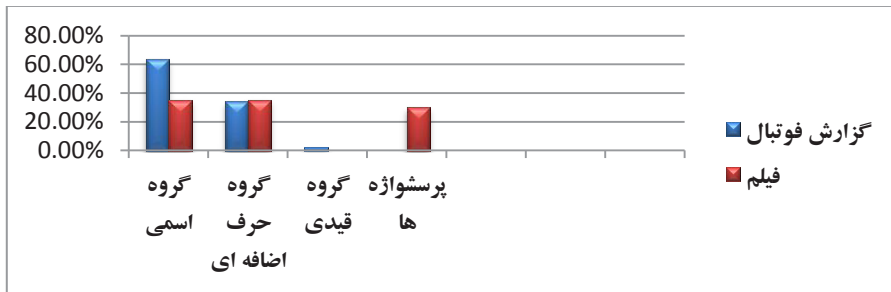
شکل ۸: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای وضعیت اطلاعی سازه پیش‌اندشده

جدول (۷) آمار مربوط به مقوله‌های نحوی سازه‌های پیش‌اندشده مختلف به جایگاه آغازین جمله را نشان می‌دهد. گروه اسمی، گروه و گروه حرف اضافه‌ای پر تکرارترین سازه‌های پیش‌اندشده یا آغازگرهای نشان‌دار هستند.

جدول ۷: فراوانی و درصد داده‌ها بر مبنای مقوله نحوی سازه پیشنهادشده

مقوله نحوی سازه پیشنهادشده	فراوانی / درصد	گروه اسمی	گروه حرف اضافه‌ای	گروه قیدی	پرسش واژه‌ها	مجموع
فیلم	فراوانی	۲۶	۲۶	-	۱۹	۶۳
	درصد	۳۵٪	۳۵٪	-	۳۰٪	۱۰۰٪
گزارش فوتبال	فراوانی	۵۲	۲۸	۱	-	۸۲
	درصد	۶۳٫۴٪	۳۴٫۱٪	۲٫۴٪	-	۱۰۰٪

این یافته‌ها نشان می‌دهند که عبارت‌های حرف اضافه‌ای در هر دو پیکره تقریباً به نسبت مشابه (حدود ۳۵٪) به عنوان آغازگر نشان‌دار پیشنهادشده و پیش از نهاد قرار گرفته‌اند. در پیکره فیلم، شاهد شمار تا اندازه‌ای گسترده پرسش‌واژه (۳۰٪) به عنوان آغازگر نشان‌دار جمله بوده‌ایم، که بر پایه ماهیت تعاملی زبان روزمره (فیلم) طبیعی و قابل پیش‌بینی است. در مقابل، در پیکره فیلم، گروه اسمی ۶۳٫۴٪ تمام آغازگرهای نشان‌دار در پیکره فیلم را شامل شده‌است. گروه‌های اسمی پیشنهادشده عموماً مفعول هستند که بر اثر فرایند قلب، مبتداسازی یا مجهول سازی به آغاز جمله منتقل می‌شوند. تفاوت‌های مورد اشاره در نمودار (۹) به خوبی آشکار هستند.



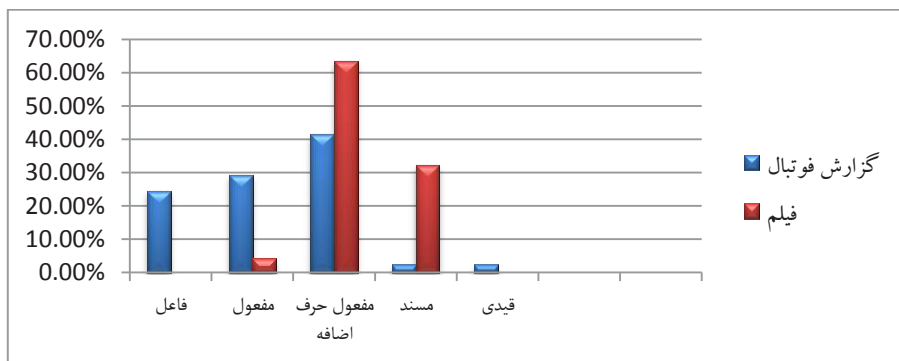
شکل ۹: توزیع فراوانی داده‌های بررسی شده بر مبنای مقوله نحوی سازه پیشنهادشده

افزون بر وضعیت اطلاعی و مقوله نحوی سازه‌های پیشنهادشده (آغازگر نشان‌دار)، نقش دستوری این سازه‌ها نیز بررسی شده است که یافته‌های آن در جدول (۸) ارایه شده‌است.

جدول ۸: فراوانی و درصد پاره گفته‌های پیش‌بینی‌شده به تفکیک نقش دستوری

نقش دستوری سازه پیش‌بینی‌شده	فراوانی/ درصد	فاعل ^۱	مفعول	مفعول حرف اضافه	مسند	قیدی	مجموع
فیلم	فراوانی	-	۴	۳۷	۱۸	۴	۶۳
	درصد	-	٪۴,۳	٪۶۰,۲	٪۳۰,۲	۴,۳	٪۱۰۰
گزارش فوتبال	فراوانی	۲۰	۲۴	۳۴	۲	۲	۸۲
	درصد	٪۲۴,۴	٪۲۹,۳	٪۴۱,۵	٪۲,۴	٪۲,۴	٪۱۰۰

جدول (۸) نشان می‌دهد که مفعول حرف اضافه (گاهی همراه با حرف اضافه) بیشترین بازنمایی را به عنوان آغازگر نشان‌دار هم در پیکره فیلم و هم در گزارش فوتبال داشته‌است. پیش‌بینی‌سازی مفعول صریح در گزارش فوتبال (۳. ٪۲۹) و پیش‌بینی‌سازی مسند در پیکره فیلم (۲. ٪۳۰) بسیار رایج است. بررسی دلیل تفاوت اساسی مابین این دو پیکره می‌تواند به عنوان پیشنهاد پژوهش حاضر برای پژوهش‌های آینده باشد. در گزارش فوتبال، همچنین مشاهده می‌شود که شمار تا اندازه بالایی سازه پیش‌بینی‌شده‌اند که دارای نقش فاعلی هستند که شگرف به نظر می‌رسد. این تعداد فاعل در اصل مفعول‌هایی بوده‌اند که بر اثر فرایند مجهول‌سازی به عنوان فاعل دستوری ایفای نقش می‌نمایند و فعل جمله از جنبه شخص و شمار با آن‌ها مطابقت می‌نماید، هرچند که فاعل منطقی نیستند. البته، این تعداد را نمی‌توان آغازگر نشان‌دار به شمار آورد. زیرا این‌ها خود فاعل دستوری هستند و بنابراین آغازگر بی‌نشان طبقه‌بندی می‌شوند. نمودار (۱۰) تفاوت‌های دو پیکره زبانی را از منظر نقش دستوری سازه پیش‌بینی‌شده به خوبی نشان می‌دهد.



شکل ۱۰: پراکندگی فراوانی داده‌های بررسی‌شده بر مبنای نقش دستوری سازه پیش‌بینی‌شده

^۱ فاعل جمله‌های مجهول پیش‌بینی‌شده هستند.

۴. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش دو پیکره زبانی جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. روی هم رفته، ۲۵۵ جمله مربوط به پیکره فیلم و ۲۲۶ جمله مربوط به پیکره گزارش فوتبال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس، این جمله‌ها بر اساس نشان‌داری نحوی به دو گروه بی‌نشان نحوی (جمله‌های معلوم) و نشان‌دار نحوی (جمله‌های مجهول، مقلوب، مبتدائی و موارد مشابه) دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد که در پیکره فیلم، ۳.۷۵٪ جمله‌ها از جنبه نحوی بی‌نشان هستند. در مقابل، در پیکره گزارش فوتبال به شیوه چشمگیری شاهد فراوانی بالای جمله‌های نشان‌دار هستیم (بیش از ۷۵٪). این موضوع نشان می‌دهد که سبک‌های گوناگون گفتاری تا چه اندازه می‌توانند از جنبه صورت‌بندی زبانی از هم متفاوت باشند. در مکالمه‌های روزمره بیشتر جمله‌ها در مورد گوینده و شنونده هستند و معمولاً به صورت معلوم صورت‌بندی می‌شوند؛ در این جمله‌ها نقش بینافردی (Halliday & Matthiessen, 2004) برجسته‌تر است. این درحالی است که در گزارش فوتبال می‌بینیم که یک نفر رویدادهائی را که برای افراد دیگر رخ می‌دهد، گزارش می‌کند. در این سبک گفتاری، جمله‌ها رویداد-محور هستند و گزارشگر هر چیزی (فرایند، افراد و افزوده) که از جنبه کلامی و موقعیتی برجسته‌تر باشد، به عنوان آغازگر مورد استفاده قرار می‌دهد. برخلاف فیلم، می‌توان گفت که در صورت‌بندی جمله‌ها در گزارش فوتبال نقش متنی برجسته‌تر است. گزارشگر باید جمله‌ای را صورت‌بندی نماید که هم انسجام داشته باشد و هم منطبق بر تصویر تلویزیون باشد. بر این اساس، گاهی فعل، به عنوان آغازگر پیشایند می‌شود و گاهی مفعول و افزوده‌ها. بر این اساس، فراوانی تا اندازه‌ای گسترده جمله‌های نشان‌دار که در آن‌ها عنصری غیر از نهاد آغازگر جمله باشد، توجیه‌پذیر است. این تحلیل با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد که میزان جابه‌جائی سازه‌ها در گزارش فوتبال به نسبت پیکره فیلم بسیار بیشتر است. همان‌گونه که دیدیم، در پیکره فیلم، در ۴.۶۹٪ از جمله‌های بررسی شده، سازه‌ای جابه‌جا نشده‌است، در حالی که در گزارش فوتبال، این آمار ۲۳.۹٪ است. بر این اساس، نتیجه‌ای که پژوهش حاضر دارد این است که وقتی میزان جابه‌جائی سازه‌ها یا انعطاف‌پذیری ساخت جمله در زبانی صحبت می‌شود، باید توجه داشت که نمی‌توان به صورت کلی در این زمینه اظهار نظر کرد. یافته‌های پژوهش حاضر ثابت می‌کند که در پیکره‌هائی که نقش بینافردی پررنگ‌تر باشد (مانند فیلم و مکالمه روزمره)، میزان جابه‌جائی‌ها کمتر است، لیکن در پیکره‌های رویداد-محور مانند گزارش‌های ورزشی انعطاف‌پذیری در توالی سازه‌ای بیشتر است.

موضوع دیگری که در مقدمه به آن پرداخته شد، انطباق آغازگر با نهاد جمله بود. همچنان که گفته شد در حالت بی‌نشان، آغازگر جمله با نهاد آن منطبق است، اما همیشه این انطباق کامل نیست (Halliday & Matthiessen, 2004; Lambrecht, 1994). یافته‌ها نشان داد که در پیکره فیلم، در ۶۹.۴٪ از جمله‌ها، انطباق این دو مفهوم دستوری و بیان آن‌ها با یک سازه مشاهده شد. همچنین، در گزارش فوتبال، در ۷۵.۵٪ موارد، نهاد جمله همان عنصر آغازگر بوده است. این آمار نشان می‌دهد که در پیکره مربوط به گزارش فوتبال، انطباق کمتری بین نهاد و آغازگر مشاهده شد. میزان کمتر انطباق آغازگر با نهاد در گزارش فوتبال به دلیل جابه‌جایی‌های بسیار سازه‌ها در این سبک گفتاری قابل درک است. همچنان که گفته شد، در مکالمه (فیلم)، بیشتر جمله‌های دارای نقش بینافرادی هستند که در مورد گوینده و شنونده هستند. طبیعی است که این جمله‌ها دارای ساخت معمول و بی‌نشان باشند که در آن‌ها آغازگر جمله همان نهاد (فاعل) جمله باشد. این دستاورد هم می‌تواند ارزشمند باشد، زیرا که به طور کلی نمی‌توان در مورد میزان انطباق آغازگر و نهاد در زبانی سخن گفت. این موضوع در سبک‌های مختلف زبانی تفاوت دارد. یافته‌های این پژوهش این موضوع را تأیید می‌کند.

هدف مهم پژوهش حاضر، بررسی وضعیت اطلاعی آغازگر (بی‌نشان و نشان‌دار) در زبان فارسی با استناد به دو پیکره زبانی بوده است. همچنان که در قسمت یافته‌ها دیدیم، این موضوع هم در پیوند با نهاد (آغازگر بی‌نشان) و هم در ارتباط با همه آغازگرها بررسی شد. در این زمینه، یافته‌ها نشان داد که اختلاف بسیاری مابین وضعیت اطلاعی نهاد در دو پیکره فیلم و گزارش فوتبال مشاهده می‌شود. در پیکره فیلم، در ۲۹.۹٪ موارد، نهاد جمله هم از جنبه کلامی و هم از منظر شنونده در بردارنده اطلاع کهنه است. این در حالی است که در پیکره فوتبال، در ۶۵.۵٪ موارد نهاد اگرچه از جنبه کلامی کهنه بوده، ولی از دید شنونده مشتمل بر اطلاع نو است. تبیینی برای این موضوع می‌توان ارایه کرد. بر مبنای این تبیین، در سبک زبانی که نقش بینافرادی (فیلم) برجسته‌تر باشد، بیشتر جمله‌ها در مورد افراد حاضر در مکالمه (گوینده و شنونده) صورت‌بندی می‌شوند. بنابراین نهاد جمله‌ها پیوسته تکرار می‌شوند و به همین سبب از دید کلامی کهنه به شمار می‌آید. به بیان دیگر، تداوم مبتدائی (نهاد) در پیکره فیلم نسبت به پیکره فوتبال کاملاً قابل درک است و این موضوع منجر به کهنه‌بودن نهاد از جنبه اطلاعی در پیکره فیلم می‌شود. در مقابل، در گزارش فوتبال بنا بر ماهیت رویداد-محور بودن آن، افراد ثابت و مشخصی به عنوان آغازگر جمله‌ها قرار نمی‌گیرند؛ در این سبک گفتاری می‌بینیم که با تغییر مالکیت توپ و میدان و به دنبال در جمله‌های صورت‌بندی شده در مورد آن‌ها، آغازگرها هم دگرگون می‌شوند. به بیان دیگر،

حداقل ۲۲ نفر آغازگر محتمل (به غیر از داوران، مربیان، بازیکنان ذخیره، و حتی تماشاگران و موارد مشابه) وجود دارند که هر کدام بر پایه شرایط ممکن است به عنوان آغازگر جمله صورت-بندی شوند. به بیان دیگر، در این جا صورت‌بندی جمله‌ها در مورد نهادهای مشخص (مانند گوینده و شنونده در پیکره فیلم) پایدار نیست. بنابراین، آغازگر این جمله‌ها (گزارش فوتبال) به اندازه آغازگر جمله‌ها در پیکره فیلم از جنبه کلامی کهنه نیستند. پژوهش‌های فراوانی در پیوند با میزان کهنه‌بودن نهاد و آغازگرها در زبان‌های گوناگون انجام شده‌است (Birner, 1996; Birner & Mahootian, 1997; Modaresi, 2007; Gowhary, 2011) هر چند باید توجه داشت، که این موضوع به سبک پیکره مورد استناد وابسته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میزان برانگیختگی کلامی آغازگر به سبک گفتاری آن بستگی دارد. در متن‌های روایی و متن‌هایی که نقش بینافردی در آن‌ها برجسته باشد (پیکره فیلم)، احتمال برانگیختگی کلامی آغازگرها در مقایسه با مثلاً گزارش فوتبال بسیار بیشتر است.

در این پژوهش، هم وضعیت اطلاعی نهاد به عنوان آغازگر بی‌نشان بررسی شد و هم وضعیت اطلاعی آغازگرها به طور کلی (شامل عناصر پیش‌بند شده). به بیان دیگر، در بسیاری از جمله‌ها، آغازگر جمله نهاد نیست، بنابراین بررسی وضعیت اطلاعی آن‌ها نیز می‌تواند روشن‌گرایانه باشد. در این جا هم یافته‌ها نشان داد که تقریباً همان الگوی نهاد در این جا نیز چیرگی دارد. در این جا هم در بیشتر موارد جمله‌های بررسی شده (درصد)، آغازگر جمله در پیکره فیلم از جنبه کلامی و شنونده مشتمل بر اطلاع کهنه است. در مقابل، در گزارش فوتبال، در ۸۵٪ موارد، آغازگر جمله از جنبه کلامی کهنه، ولی از منظر شنونده مشتمل بر اطلاع نو است. بنابراین، در پیوند با وضعیت اطلاعی آغازگر نیز بین دو پیکره مشاهده شده تفاوت اساسی دیده می‌شود.

در پاراگراف پیشین در مورد علت میزان بالای کهنه بودن نهاد در پیکره فیلم استدلال‌هایی ارائه گردید، در این قسمت، موضوع آغازگرهایی که از جنبه کلامی-کهنه و از لحاظ شنونده-نو هستند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه ممکن است که چیزی در کلام آمده باشد (کلامی-کهنه)، برای شنونده نو باشد. از جنبه منطقی این موضوع ممکن نیست. به همین دلیل، پرینس (Prince, 1981) نخست، این مقوله را ناممکن می‌داند. هر چند، در انگاره (Prince, 1992)، پرینس این مقوله را با نام استنباطی‌ها طبقه‌بندی نمود. با طرح موضوع طرح‌واره و روابط تلویحی، پرینس نتیجه گرفت (همان‌گونه که در مقدمه در نمونه (۵) دیدیم) که بسیاری از عناصری که به صورت تلویحی و غیرمستقیم در کلام آمده‌اند (کلامی-کهنه) از منظر شنونده نو هستند. به باور او، این عناصر (استنباطی‌ها) رفتاری مانند عناصر کلامی-

کهنه از خود نشان می‌دهند و تابع همان محدودیت‌ها و قواعد هستند. در پیکره فیلم تعداد این عناصر بسیار کم بود (درصد)، ولی در گزارش فوتبال در موارد بسیاری شاهد بودیم که این عناصر کلامی-کهنه از منظر شنونده-نو هستند. وقتی که گزارشگر در ابتدای مسابقه اسم‌های همه بازیکنان را می‌آورد، بنابراین این بازیکنان از جنبه کلامی کهنه هستند. حتی برای بسیاری از مخاطبان ورزش، فقط آوردن اسم یک تیم به معنای این است که همه بازیکنان آن تیم به صورت ضمنی کلامی-کهنه هستند، حتی اگر اسامی آن‌ها مطرح نشود، زیرا که این موضوع بخشی از اطلاع پیش زمینه آن فرد است. با این حال، باید توجه داشت افرادی که برای مخاطب از لحاظ کلامی کهنه یا استنباطی هستند، در رویدادهایی که در زمین مسابقه اتفاق می‌افتد برای شنونده نو هستند. برای نمونه، در یک لحظه بازیکن شناخته شده (کلامی) که موفق به گل زنی می‌شود، ذکر اسم این بازیکن (در این بافت مشخص و در این گزاره) و رویدادی را که ثبت کرده است، برای شنونده نو محسوب می‌شود. در پیکره مربوط به گزارش فوتبال، نمونه‌های بسیاری از این حالت ثبت شدند.

افزون بر موضوع وضعیت اطلاعی آغازگرها، در این پژوهش مقوله نحوی آن‌ها نیز بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که در هر دو پیکره گروه اسمی پر تکرارترین سازه‌ای است که جمله‌ها با آن آغاز می‌شود. در پیکره فیلم، در ۷۶٪ از موارد، سازه آغازگر گروه اسمی بوده است. این میزان در پیکره گزارش فوتبال، ۸۱٪ بوده است. پس از گروه اسمی، در هر دو پیکره، گروه حرف اضافه‌ای سازه آغازگر بوده است. تفاوت مهم در دو پیکره استفاده تا اندازه زیادی از پرسش‌واژه در پیکره فیلم نسبت به پیکره گزارش فوتبال به عنوان آغازگر جمله است. این یافته پژوهش، هم از جنبه منطقی پذیرفتنی به نظر می‌رسد؛ همچنان که تأکید شد در پیکره فیلم نقش بینافردی برجسته‌تر است و استفاده از پرسش‌واژه‌ها هم در پیوند با نقش بینافردی آن‌ها موجه است، زیرا که گوینده و شنونده در مکالمه‌ها به طور طبیعی برای دستیابی به هدف‌های بینافردی از پرسش‌واژه‌ها بهره می‌برند.

همچنان که اشاره شد، نهاد جمله آغازگر بی‌نشان است. برخی فرایندها مانند پیش‌اندسازی سبب ایجاد آغازگر نشان‌دار در جمله‌ها می‌شوند. هم در پیکره فیلم و هم گزارش فوتبال، شاهد پیش‌اندسازی برخی از ارکان جمله به آغاز جمله هستیم که وضعیت اطلاعی، مقوله نحوی و نقش دستوری آن‌ها به عنوان آغازگر نشان‌دار مورد بررسی قرار گرفت. نکته‌ای که در مورد آغازگرهای نشان‌دار بررسی شده در این پژوهش باید اشاره نمود، توجه به آغازگرهای اصلی (بر

اساس طبقه‌بندی هالیدی) است. به بیان دیگر، این آغازگرها دارای محتوای معنایی بوده و فقط کارکرد دستوری ندارند.

در پیوند با وضعیت اطلاعی این سازه‌ها، یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه‌های پیش‌بیندشده (آغازگر نشان‌دار) در دو پیکره زبانی بررسی شده دارای الگوهای کاملاً متفاوتی هستند. در پیکره گزارش فوتبال، در ۵۰٪ از موارد، سازه پیش‌بیندشده اگرچه از جنبه کلامی کهنه یا (استنباطی) است، ولی از منظر شنونده نو گزارش شده است. در پاراگراف‌های پیشین، دلیل این موضع را به نقش این سازه‌ها در گزاره مرتبط دانستیم. اگرچه مصداق این سازه‌ها در کلام پیشین ممکن است بیان شده باشد یا برای مخاطب قابل استنباط (بنابراین کهنه) باشند، لیکن نقش آنها در گزاره (جمله) مورد نظر برای شنونده نو تلقی می‌شود. در مقابل، در پیکره فیلم، بیشتر سازه‌های پیش‌بیندشده از جنبه کلامی نو هستند (روی هم رفته در ۴۰٪ موارد). همین جدول نشان می‌دهد که در ۳۳٪ از جمله‌ها هم، سازه پیش‌بیندشده هم از جنبه کلامی و هم شنونده نو هستند. این جمله‌ها اغلب جمله‌های پرسشی هستند که با پرسش‌واژه‌ها آغاز می‌شوند. نو بودن مصداق سازه‌ها از لحاظ کلامی ممکن است با برخی پژوهش‌های انجام گرفته ناسازگار باشد (Birner, 1996)، ولی در این ارتباط اشاره به دو نکته لازم است. نکته نخست اینکه، این پژوهش‌ها بیان نکرده‌اند که مصداق عبارات پیش‌بیندشده هیچ‌گاه نو نیست. برای نمونه بیرنر (Birner, 1996) و بیرنر و ماهوتیان (Birner & Mahootian, 1997) گفته‌اند که در تعدادی از نمونه‌های بررسی شده مصداق سازه پیش‌بیندشده از جنبه کلامی نو است، ولی آنها با طرح موضوع میزان و درجه نو بودن این مسأله را توجیه نمودند. به باور آنها، درست است که مصداق عبارات پیش‌بیندشده نو است، ولی آنها نوتر از مصداق سازه پس‌بیندشده نیستند (Birner, 1996). بنابراین، نمی‌توان یافته‌های این پژوهش را لزوماً در تضاد با این‌گونه پژوهش‌ها به شمار آورد. نکته دوم که نیاز به بررسی بیشتر دارد و می‌توان آن را به صورت پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده به شمار آورد، تفاوت رده‌شناختی زبان فارسی با زبان انگلیسی است. زبان فارسی دارای توالی سازه‌ای آزادتری نسبت به زبان انگلیسی است. بنابراین، نمی‌توان محدودیت‌ها و قواعد حاکم زبان انگلیسی است را به فارسی نیز تعمیم داد. به نظر می‌رسد که توالی سازه‌ای قابل انعطاف زبان فارسی این اجازه را به گویشوران بدهد که فارغ از وضعیت اطلاعی سازه‌ها بتوانند برخی سازه‌ها را آزادانه جابه‌جا کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که میزان تا اندازه زیادی سازه‌های پیش‌بیندشده‌ای که از جنبه کلامی دارای مصداق نو هستند با ماهیت زبان فارسی هم‌خوانی داشته باشد. نکته دیگر، میزان بیشتر پیش‌بیندسازی

عناصر زبانی در پیکره فوتبال نسبت به پیکره فیلم است. همان گونه که گفته شد، بر پایه ماهیت متفاوت این دو سبک گفتاری این موضوع پذیرفتنی به نظر می‌رسد.

افزون بر وضعیت اطلاعی، مقوله‌های نحوی سازه‌های پیش‌سازنده (آغازگرهای نشان‌دار) نیز بررسی شد. گروه اسمی، گروه و گروه حرف اضافه‌ای پر تکرارترین سازه‌های پیش‌سازنده یا آغازگرهای نشان‌دار هستند. پیش‌سازنده‌های گروه اسمی نسبت به پیش‌سازنده‌های گروه‌های حرف اضافه‌ای نشان‌دارتر به شمار می‌آیند (Halliday & Matthiessen, 2004). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میزان پیش‌سازنده‌های گروه اسمی در پیکره گزارش فوتبال نسبت به پیکره فیلم بسیار بیشتر است. در این زمینه باید اشاره نمود که زیان مورد استفاده در گزارش فوتبال اگرچه گفتاری است، ولی در مقایسه با زبان معمولی رسمی تر است. با پذیرش این موضوع می‌توان به نوعی پیش‌سازنده‌های گروه اسمی مفعولی (بر اثر فرایندهائی مانند مبتداسازی، قلب نحوی و مجهول سازی) را به نوعی خصوصیت زبان رسمی قلمداد نمود که در زبان عامیانه (برای نمونه فیلم) کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این موضوع را نیز می‌توان به عنوان پیشنهادی برای مطالعات پیکره‌ای ارائه نمود تا مشخص شود آیا در سبک‌های رسمی و غیر رسمی بین مبتداسازی گروه اسمی (حالت نشان‌دارتر) و گروه حرف اضافه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر.

فهرست منابع

- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۵). «ارتباط قلب نحوی و تاکید در زبان فارسی». دستور. شماره ۲. صص ۲۰-۳۲
- راسخ مهند، محمد و مریم قیاسوند (۱۳۹۳). «بررسی پیکره‌بنیاد تاثیر عوامل نقشی در قلب نحوی کوتاه فارسی». ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور). شماره ۱۰. صص ۱۶۳-۱۹۸
- شهیدی، نوشین (۱۳۷۹). مبتداسازی در زبان فارسی با نگاهی نقش‌گرا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- گوهری، حبیب (۱۳۹۰). تحلیل ساخت اطلاع در انگلیسی و فارسی و نحوه ترجمه آن. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدی، سارا و حبیب گوهری (۱۳۹۸). «مضعف‌سازی واژه‌بستی و خروج مفعول صریح بر اساس داده‌هایی از کردی جنوبی». علم زبان. دره ۷. شماره ۱۱. صص ۳۵۱-۳۸۶.
- مدرسی، بهرام (۱۳۸۶). ساخت اطلاع و بازنمایی آن در زبان فارسی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- معزی‌پور، فرهاد (۱۳۹۸). «بازتحلیلی نقش‌گرا از دوگان‌سازی واژه‌بستی مفعول در فارسی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. سال ۱۱. شماره ۱. صص ۲۲۷-۲۵۹

References

- Ahmadi, S., & Gowhari, H. (2019) Clitic doubling and dislocation of direct object based on evidence from Kalthori Kurdish. *Language Science*, 7 (11), 351-386 [In Persian].
- Baker, P., Gabrielatos, C. & McEnery, T. (2013). Sketching Muslims: A corpus driven analysis of representations around the word 'Muslim' in the British press. 1998-2009. *Applied Linguistics*, 34(3), 255-78.
- Birner, B. J. (1996). *The Discourse function of inversion in English*. New York: Garland.
- Birner, B. J. (2013). Discourse functions at the periphery: Noncanonical word order in English. *ZAS Papers in Linguistics* 35 (1), 41-62. doi:10.21248/zaspil.35.2004.221.
- Birner, Betty J., & Mahootian, Sh. (1997). Functional constraints on inversion in English and Farsi. *Language Sciences* 18(1-2), 127-138.
- Brezina, V. (2018). *Statistics in corpus linguistics: A practical guide*. Cambridge: Cambridge University Press
- Gowhary, H. (2011). *Information structure in English and Persian and the its translation* (PhD dissertation). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). *An introduction to functional grammar*. London: E. Arnold.
- Lambrecht, K. (1994). *Information structure and sentence form*. Cambridge: Cambridge University Press,.
- Modaresi, B. (2007). *Representation of information structure in Persian* (PhD dissertation), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Moezzi-pour, F. (2019) A functional reanalysis of object clitic doubling in Persian. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*. 11(1), 227-259 [In Persian].
- Prince, Ellen F. (1981). Toward a taxonomy of given/new information. In P. Cole (Ed.), *Radical pragmatics* (pp. 223-254). New York: Academic Press.
- Prince, E. F. (1992). The ZPG letter: Subjects, definiteness, and information-status. In S. Thompson & W. Mann (Eds.), *Discourse description: Diverse analyses of a fundraising text* (pp. 295-325). Amsterdam: John Benjamins.
- Rasekh Mahand M. (2006). The relationship between syntactic scrambling and focus in Persian. *Journal of Dastur*, 2, 20-32 [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. Ghiasvand, M. (2014) A corpus-based analysis of functional factors affecting short syntactic scrambling in Persian. *Journal of Dastur*, 2, 163-198 [In Persian].
- Shahidi, N. (2000). *Topicalization in Persian: A functional approach* (Master's Thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Ward, G., & Briner, B.J.(2004). Information structure and non-canonical syntax. In H. Laurence., & G. Ward (Eds.) *The Handbook of pragmatics* (pp. 1934-1963). Oxford: United Kingdom: Blackwell Publishing.

Information Structure and Thematic Structure of Persian Language A Corpus-based Analysis

Khadijeh Taheri¹
Habib Gowhari*²

Received: 17/03/2020

Accepted: 06/09/2020

Article Type: Research

Abstract

Other things being equal, grammatical subject is coded as the theme of the clause. In marked cases, however, other non-subject arguments and prepositional phrases may appear as the theme due to some processes, including pre-posing. Accordingly, the goals of the present study are three-fold. First, it aims at investigating the information status of grammatical subject as the unmarked theme of the clause. Secondly, it intends to find the marked themes in the non-canonical constructions, including inversion, topicalization, passivization, and scrambling. Preposing as a cover terms includes all these processes. Accordingly, this study is set out to examine information status, syntactic category, and grammatical function of proposed constituents (marked themes). The degree of matching between grammatical subject and theme is also investigated. This study is a corpus-based one in which the data are collected from two different corpora: a movie (Separation by Farhadi) and a football report. The theory of information structure by Prince (1992) revised in Birner (2013) is adopted as theoretical model of the study. Based on this theory, information is classified in terms of discourse and hearer. Accordingly, information status of any constituent can be one of these for cases: discourse old-hearer old, discourse old- hearer new, discourse new- hearer old, and discourse new-hearer new. This classification is applied to the collected themes (both marked and unmarked) of both corpora. Halliday (2004) is another theoretical basis of this study. Different types of themes are taken from Halliday(2004) to be analyzed in terms of information status. The focus in this study is on topical themes (not interpersonal or textual themes). The target themes were, then, coded based on the theoretical model and they were analyzed by SPSS (version 23). In terms of syntactic markedness, the results indicated that in football report, there were more numbers of marked

¹ PhD Candidate of General Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran; khtaheri@ilam-iau.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran, (corresponding author); gowhari@ilam-iau.ac.ir

syntactic structures comparing with the film corpus. As for the match between subject and theme, the results indicated a higher amount of match between these two concepts in film corpus comparing with football report corpus. The lower match between subject and theme in football report can be accounted for by the higher number of movements and dislocations in the syntactic category of this type of language. As stated, the main goal of this study was to investigate the information status of both marked and unmarked themes. As for unmarked theme (subject), the results showed that in film corpus such themes are mainly old (more than 90%) both in terms of discourse and hearer. In contrast, the themes were found to be mainly discourse-old but hearer new (more than 65%) in the football report corpus. This is due to the different nature of these two corpora. In daily conversations (film), we have topic continuity, while in football the sentences are expressed to refer to different individuals (no topic continuity). As stated, preposed (marked themes) are also investigated. As for information status, there is almost the same pattern as unmarked themes. Most of the marked themes in film corpus are old both in terms of discourse and hearer. In football report corpus, however, the marked themes (preposed themes) are mainly discourse- old and hearer new. This is somehow problematic, since the discourse old entities cannot be hearer-new. Prince (1992) resolved this problem by raising the issue of schemata and set relations. She believed that many referents are implied in the discourse and hence counted as being discourse-old. She called them inferable. In football report corpus, there were many such inferable marked themes. Another unexpected finding was the high amount of new preposed themes in film corpus which seems to contradict the previous literature (Birner, (1996), for example). Careful examination of literature does not ban the occurrence of new pre-posed items in theme position, although themes naturally have identifiable referents. 'recency of new-ness/ old-ness proposed by Birner (1996) can account for the emerged pattern in the present study. The results of this study are important both theoretically and practically. Many findings showed that the constraints on preposing are not observed in the two investigated corpora. It implies that Persian language, due to its flexible word order, does not follow the rules of other languages. It seems there is a connection between language type and the kind of the constraints in that language. This can be a suggestion for further study to find the appropriate constraints governing information status of themes in Persian. Another implication of this study is the fact that in the same language, we do not have the same patterns as far as the information status of themes is concerned. As it was found, the information status of themes in film corpus was dramatically different from football report corpus. Therefore, one cannot generalize the results obtained in a study to the whole language.

Keywords: Theme, Subject, Information status, New/old information, Corpus analysis